

## پایگاه اجتماعی موسیقی در بغداد قرون دوم و سوم هجری

حیله جعفر پور نصیر محله<sup>۱</sup>

سید احمد رضا خضری<sup>۲</sup>

**چکیده:** موسیقی در بغداد عصر عباسی به عنوان یکی از اجزای جدایی ناپذیر زندگی مردم و ابزاری برای سرگرمی مورد توجه گروههای مختلف اجتماعی قرار داشت. خواص که از جایگاه اجتماعی مهم‌تری برخوردار بودند، با استفاده موسیقی دانان در خانه‌ها و کاخ‌های خود و حمایت از آنان در پیش‌فت موسیقی نقش مؤثری ایفا می‌کردند. در این طبقه به کارگیری موسیقی دانان و کیزان خوشنده و نوازندۀ یانگر شخص، اقدار، و پایگاه اجتماعی آنان بود. در میان عامه نیز موسیقی، هنری شناخته شده بود و اقسام مختلف مردم همچون بزاران و حمامگران با موسیقی آشنا بودند. با این حال، از آنجا که به لحاظ شرعی، روایاتی چند پرداختن به موسیقی را از محرمات دانسته است، وجهه اجتماعی این هنر در جامعه اسلامی بغداد ارزشمند نبود. پژوهش حاضر کوشیده است پایگاه اجتماعی موسیقی و موسیقی دانان را در جامعه بغداد قرون دوم و سوم بررسی نماید. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و پژوهش با استفاده از منابع و مأخذ موجود سامان یافته است.

**واژه‌های کلیدی:** موسیقی، پایگاه اجتماعی، بغداد، خلفای عباسی، مغناط

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) jafarpoor.h@gmail.com

۲ استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران akhezri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۲۴ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۸/۰۵

## Social Status of Music in Baghdad during the Second and Third Centuries AH

Halime Jafarpoor Nasirmahaleh<sup>1</sup>

Seyyed Ahmadreza Khezri<sup>2</sup>

**Abstract:** During the Abbasid era in Baghdad, music was considered as one of the components of people's life and was paid attention to by different social classes as a means of entertainment. The elites who had higher social position played an effective role in developing music by recruiting the musicians in their houses and supporting them. In those social casts, employing the musicians and women singers was a manifestation of their power and the importance of their social position. As a result, some officials were known musicians themselves. Moreover, music was well-known among the public. Various communities of society like the tailors and cupping therapists were familiar with music. However, according to religion and some traditions dealing with music is forbidden, so this art was not much appreciated in Baghdad. The presented research is studying the status of the art of music among different social casts in Baghdad. The research method is descriptive-analytic and it is organized based on existing resources and references.

**Keywords:** Music, Baghdad, social casts, musician

---

1 PhD Student of the Islamic Civilization & History , Tehran University (corresponding author), jafarpoor.h@gmail.com

2 Professor of Islamic History, Tehran University akhezri@ut.ac.ir

### مقدمه

تاریخ زندگی انسان همواره با شعر و موسیقی و تأثیر سحرانگیز آن عجین بوده و انسان در طی قرون و اعصار، افکار، عقاید و احساسات خود را به وسیله موسیقی بیان داشته است. چنانکه مردم در تولد و مرگ، عزا و عروسی، جشن و شادی و... موسیقی را به کار گرفته‌اند. با پیشرفت جوامع، موسیقی، جایگاه مهم‌تری در دیگر فعالیت‌های اجتماعی انسان پیدا کرد. از جمله:

- در زندگی مذهبی انسان‌ها، موسیقی در مراسم آیینی، به‌ویژه در بین صوفیه حضوری پرنگ داشت.
  - در طول حیات انسان از تولد تا مرگ در مراسم مختلفی که برای آدمی برگزار می‌شد، موسیقی حضور داشت.
  - در زندگی شغلی، موسیقی، کارگران را به هنگام کار، قصه‌گویان را به هنگام بیان حکایت، صیادان را به وقت شکار و روان‌پزشکان را به هنگام روان‌درمانی همراهی می‌کرد.
  - در عرصه سیاسی موسیقی بهترین وسیله برای جمع شدن مردم، گردیک تفکر یا یک شخص بود.
  - موسیقی بهترین همراه برای طالبان علوم و فنون بود؛ چنان‌که قوانین علوم و ادبیات به نظم در می‌آمد و آماده آهنگ و نغمه‌پردازی می‌شد.<sup>۱</sup>
- افرون بر این، شعر و موسیقی در ایام تولد کودک، جشن ختنه سوران، بازگشت مسافر، جشن عروسی، جشن وضع حمل، جشن نزول باران، کاشت و برداشت محصول، کشیدن آب از چشمه و سرود پیروزی انسان‌ها را همراهی می‌کرد.

تا پیش از قرن دوم هجری به دلیل درگیری اذهان مردم به جنگ و گذران دشوار زندگی جایی برای پرداختن به موضوع هنر و موسیقی باقی نمی‌ماند. تا اینکه عباسیان در سال ۱۳۲ق. به حکومت رسیدند و بغداد را مرکز خلافت خود قرار دادند. این شهر، از عصر منصور (حکومت ۱۳۶-۱۵۸ق.) مرکز خلافت اسلامی گردید.<sup>۲</sup> علم، هنر، ادبیات و به‌طور کلی

<sup>۱</sup> صالح المهدی (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «سنن موسیقی عرب»، ترجمه فریبا سلامت نیا، تهران: آیینه میراث، ش ۳۶ و ۳۷، ص ۲۲۷-۲۲۸.

<sup>۲</sup> ابن عبدالله یاقوت حموی (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، ج ۱، بیروت: دارالصادر، ص ۴۵۹؛ علی بن حسین مسعودی (۱۴۰۹ق.)، مرجوج الذهب والمعادن (الجوهر)، تحقیق اسعد الداغر، قم: دارالهمجزه، ص ۳۱۲.

تمدن اسلامی در این شهر به پیشرفت‌های زیادی دست یافت و دوره اول حکومت عباسیان، عصر طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی گردید.<sup>۱</sup> آن‌چنان‌که این عصر، عصر طلایی موسیقی کلاسیک عربی نیز شناخته می‌شود.<sup>۲</sup>

پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا نگرش جامعه بغداد را به موسیقی در قرون دوم و سوم هجری مورد کاوش قرار دهد و به این پرسش‌ها پاسخ‌گوید که موسیقی در جامعه بغداد آن روزگار چه جایگاهی داشته و نگاه طبقات مختلف مردم به این هنر چگونه بوده است؟ پایگاه اجتماعی موسیقی‌دانان این عصر چگونه و درجه اعتبار و ارزش موسیقی چه میزان بوده است؟

### بغداد جلوه‌گاه موسیقی عصر عباسی

تقریباً همه منابع درباره چگونگی بنای بغداد اتفاق نظر دارند و بر اهمیت و عظمت این شهر به‌ویژه در قرون نخستین بنای آن، به عنوان یکی از مراکز مهم سیاسی، بازرگانی و فرهنگی تأکید کرده‌اند.<sup>۳</sup> در حقیقت، بغداد به عنوان پایتخت جهان اسلام و مرکز فرهنگ و تمدن اسلامی شهری آباد و پر رونق تلقی می‌شد که آمیزه‌ای از عناصر، ملیت‌ها، نژادها، رنگ‌ها، مذاهب و زبان‌ها در آن می‌زیستند.<sup>۴</sup> به گفته تاریخ الفخری، در عصر عباسی بازار علوم متداول، خیرات فراوان، جهان آباد و مرزها استوار بود.<sup>۵</sup> از این نوشه‌ها پیداست که تمدن اسلامی در این دوره، سال‌های طلایی و پربار خود را می‌گذراند است. عباسیان با درآمدهای کلانی که از امور مختلف به دست می‌آورند، دولتی ثروتمند تشکیل داده بودند و چون پیشرفت فرهنگی، وابسته به عوامل سیاسی و اقتصادی است و به پشتونه توسعه اقتصادی، هنر نیز رشد می‌کند، در این دوره موسیقی نیز به عالی ترین درجه کمال خود رسید.<sup>۶</sup> در بغداد عصر عباسی، مردم به دو طبقه اصلی تقسیم می‌شدند: خاصه و عامه که هر یک از این دو طبقه نیز دسته‌های کوچک‌تری را در بر می‌گرفتند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱ شوقی ضیف [ای] تا، [العصر العباسی الاول، قاهره: دارالمعارف، ص ۱۱.]

۲ Jean Kins and Paul Rovsing Olson (1976), *Music and musical instrument in the world of Islam*, Horniman Museum London World of Islam Festival Publishing Company Ltd., p 8.

۳ شیرین بیانی (۱۳۷۷)، *تسیغون و بغداد در گذر تاریخ*، تهران: انتشارات جامی، ص ۱۵.

۴ محمد کاظم مکی (۱۳۸۳)، تمدن اسلامی در عصر عباسی، ترجمه محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت، صص ۵۹ و ۶۳.

۵ محمد بن علی بن طباطبائی طقطقی (۱۹۹۷م)، *الفخری فی آداب السلطانیه و دول الاسلامیه*، تحقیق عبدالقدیر محمد مأبیو، بیروت: دارالقلم العربیة، ص ۱۴۷.

۶ ابن خلدون (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۸۵۴.

### طبقه خاصه

طبقه خاصه خود به چهار دسته تقسیم می‌شد: خلیفه، خاندان خلیفه، رجال دولتی و وابستگان طبقه خاصه. خلیفه دارای قدرت سیاسی و مذهبی بود و مردم در اطاعت او بودند. خلفای این دوره از ابوالعباس (۱۳۶-۱۳۲ق.) تا مستکفی (۳۳۴-۳۳۳ق.) همه از علاوه‌مندان موسیقی بودند و با گردآوردن موسیقی‌دانان در کاخ‌های خود و اعطای انعام به آنان از این هنر حمایت می‌کردند. در این دوره بجز منصور (۱۵۸-۱۳۶ق.) و مهتمدی (۲۵۶-۲۵۵ق.) که به دلایل مختلف از ساز و آواز پرهیز داشتند، بقیه خلفاً موسیقی را به عنوان ابزار تفنن در خدمت خود داشتند و آن را برای شکوهمند ساختن دربار به کار می‌گرفتند.

### خاندان خلیفه

پس از خلفاً، فرزندانشان و خاندان عباسی قرار داشتند که از بالاترین طبقات جامعه به شمار می‌رفتند و از دولت مقرری دریافت می‌کردند. این گروه با برخورداری از مزايا و اموال دولتی به خوشگذرانی می‌پرداختند و با ساخت کاخ‌های مجلل زمینه حضور موسیقی‌دانان و ادبیان را در این محافل فراهم می‌نمودند. از جمله افراد ثروتمند خاندان عباسی، محمد بن سلیمان بن علی است که علاوه بر املاک و کاخ‌ها، ۲۵ میلیون درهم نقدینه داشت و در آمد روزانه‌اش صد هزار درهم بود.<sup>۱</sup> وی فردی هنرپرور محسوب می‌شد که ابراهیم موصلى او را در جوانمردی و طرب دوستی در بین هاشمیان ممتاز می‌دانست.<sup>۲</sup> همچنین از داستان‌های مختلفی که در الاغانی آمده برمی‌آید که دیگر فرزندان سلیمان بن علی، یعنی علی و جعفر هم اهل موسیقی بوده‌اند و جوائز فراوان به موسیقی‌دانان می‌بخشیده‌اند که این بخشش‌ها، موجب شگفتی منصور، خلیفه عباسی می‌گردید.<sup>۳</sup> حکم الوادی یکی از مشهورترین مغنایان اوایل عصر عباسی است که در زمان خلافت منصور به خدمت محمد پسر ابوالعباس سفاح درآمد. به گفته ابوالفرح، محمد غنای او را بسیار دوست می‌داشت و وی را بر سایر مغنایان مقدم می‌دانست و آوازهایش را می‌پسندید.<sup>۴</sup> همچنین بسیاری از فرزندان خلفاً با

<sup>۱</sup> جرجی زیدان (۱۳۸۶)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۸۸۳-۸۸۲.

<sup>۲</sup> علی بن حسین ابوالفرح اصفهانی (۱۹۶۳م)، الاغانی، ج. ۵، قاهره: دارالکتب، ص ۱۶۰.

<sup>۳</sup> ابوالفرح اصفهانی، همان، ج. ۶، ص ۲۸۲.

<sup>۴</sup> همان، ج. ۶، ص ۲۸۳.

موسیقی آشنایی داشتند. یکی از مشهورترین آنها ابراهیم بن مهدی (۱۶۲-۱۲۲۴ق.) معروف به ابن شکله است که مادرش شکله، تباری ایرانی داشت. او در زمان خلافت برادرش هارون الرشید حاکم دمشق بود.<sup>۱</sup> اسحاق موصلى درباره او گفته است: «از نسل عباس بن عبدالمطلب، بعد از عبدالله بن عباس مردی با فضیلت‌تر از ابراهیم بن مهدی برنخاست که در موسیقی نیز به درجه کمال رسیده باشد».<sup>۲</sup>

موسیقی‌دان دیگر از خاندان عباسی، علیه‌یا عباسه (۱۶۰-۱۲۱۰ق.) دختر مهدی عباسی بود. او را بانوی ادیب و نوازنده توصیف کردند که در بغداد متولد شد و همانجا نیز درگذشت. او شعرهای نیکو می‌سرود و بر آنها آهنگ می‌ساخت.<sup>۳</sup> به اعتقاد مردم آن دوره، از ابراهیم بن مهدی و خواهرش علیه‌ی خوش‌آوازتر در آن عصر و پیش از آن وجود نداشته است.<sup>۴</sup> علاوه بر این، ابویسی فرزند هارون الرشید<sup>۵</sup>، عبدالله بن هادی<sup>۶</sup>، عبدالله بن امین<sup>۷</sup> و عبدالله بن معتز<sup>۸</sup> از خلیفه‌زادگانی بودند که به‌خوبی با موسیقی آشنایی داشتند.

### رجال دولتی

در این دوره بیشتر رجال دولتی از حامیان هنر بودند و بر مکیان (حالد، یحیی، فضل، جعفر، محمد و موسی) نمونه بارز آنها هستند که در سال ۱۸۷ق. به دلیل خشم هارون از کار برکنار شدند و تعدادی نیز به زندان افتادند.<sup>۹</sup> اما بر مکیان در کنار فعالیت‌های سیاسی حامیان جدی علم، هنر و ادبیات بودند. مثلاً یحیی بن خالد وزیر کارдан عباسیان، دوستدار موسیقی بود و درباره این هنر می‌گفت: «موسیقی آن است که انسان را به طرب آورد؛ برقصاند و بگریاند و متأثر کند؛ و جز آن هر چه باشد، رنج و بلاست». درباره بخشش‌های وی به موسیقی‌دانان

۱ ابوالفرح اصفهانی، همان، ج، ۶، ص ۹۵.

۲ همان، ج، ۶، ص ۹۵.

۳ همان، ج، ۱۰، ص ۱۶۲.

۴ همان، ج، ۱۰، ص ۹۶.

۵ همان، ج، ۱۰، ص ۱۸۷.

۶ همان، ج، ۱۰، ص ۱۹۳.

۷ همان، ج، ۱۰، ص ۱۹۸.

۸ همان، ج، ۱۰، ص ۲۷۴.

۹ مسعودی، همان، ج، ۳، ص ۳۷۸؛ محمدبن جریرطبری (۱۳۷۸ق.)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج، بیروت: دارالتراث، ص ۲۵۹.

۱۰ مسعودی، همان، ج، ۴، ص ۱۳۴.

در الاغانی بسیار سخن گفته شده است. از جمله داستانی که از قول مخارق معنی آن عصر بیان شده و بر اساس آن، وقتی او برای خواندن آواز و تعلیم آن به کنیز پنجی در منزل وی حاضر شد، آن وزیر، ده هزار درهم به مخارق و صد هزار درهم به استادش ابراهیم موصلى بخشید.<sup>۱</sup> اما فصل بن پنجی (۱۴۸۱-۱۹۳۱ق). والی خراسان، طبرستان و ارمنستان، فردی هنرپرور و سخاوتمند بود که حکایات گوناگون او را چهره‌ای ادب و موسیقی شناس توصیف کرده است. چنانکه بر درگاه او چهار هزار ادیب و شاعر حاضر بودند.<sup>۲</sup> مشهورترین ویژگی فصل، وجود و بخشندگی اوست که وی را حتی در میان خانواده‌ای معروف به سخاوت نیز ممتاز کرده است. موسیقی دانان آن عصر نیز از این جود بی‌بهره نمی‌ماندند، چرا که فضل دلبسته سمعان بود. به گفته ابوالفرج، وقتی ابراهیم موصلى آوازی برای فضل خواند، او دو هزار دینار به همراه چارپایی که بر آن سوار بود به او بخشید؛ او زمانی دیگر بر شعر عباس بن احنف آهنگی ساخت و در محضر فضل اجرا کرد و چهار هزار دینار از او جایزه گرفت.<sup>۳</sup> اسحاق موصلى نیز پس از ستایش فضل در یک شعر زیبا هزار دینار از او صله دریافت کرد.<sup>۴</sup> اما جعفر بن پنجی (۱۵۰-۱۸۷ق). وزیر هارون بود که با قتل وی شوربختی بر مکیان آغاز شد. فصاحت و بلاغت جعفر در گفتار و نوشтар هم‌بایه آوازه سخاوت برادرش فضل بوده است. گذشته از آن وی در هنرپروری نیز شهرت داشته چنانکه انعام او به اسحاق موصلى در هنگام تنگستی زبانزد بوده است.<sup>۵</sup> از گفته‌های اسحاق موصلى در الاغانی پیداست که جعفر خود با موسیقی آشنایی داشته، فردی خوش آواز بوده و طبل نیکو می‌نواخته است.<sup>۶</sup> حتی عرب (۱۸۱-۲۷۷ق). شاعر، آوازه‌خوان و نوازنده عود را دختر جعفر دانسته‌اند. او که متولد و بزرگ شده بغداد بود، هنگام نکبت بر مکیان روزهای کودکی خود را می‌گذراند که امین و سپس مأمون او را خریدند.<sup>۷</sup> علاقه جعفر به موسیقی و غنا منشأ توجه او به موسیقی دانان معاصرش بود که شواهد بسیار آن در جای جای الاغانی به چشم می‌خورد. کسانی مانند

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۵، ص.۱۸۲.

۲ احمد بن علی بن خطیب (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، ج.۱۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص.۳۳۶.

۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۵، ص.۱۸۲.

۴ همان ج.۵، صص.۳۰۱-۳۰۲.

۵ همان، ج.۵، ص.۳۱۰.

۶ همان، ج.۵، ص.۲۷۴.

۷ همان، ج.۵، ص.۷۷۲.

اسحاق موصلى، ابن جامع، مخارق و دیگران در کنف حمایت او بودند. افزون بر اين، آخرین ساعات زندگى جعفر نيز با موسيقى همراه بوده و ابوزکار طنبوري، نعمه گر نايينا در مجلس وى آواز مى خواند و مى نواخت و كنيز کان از پشت پرده به ساز و آواز نشسته بودند که مسرور خادم با خشونت جعفر بن يحيى را از مجلس طرب به قتلگاه برد.<sup>۱</sup>

محمد بن يحيى برمكى نيز از بزرگان عصر اول عباسى است که هنرمندان را گرامى مى داشت. وقتی ابراهيم موصلى روز مهر گان در مجلس محمد بن يحيى حضور یافت، محمد تمام هديه هاي را که آن روز برایش آورده بودند به ابراهيم بخشید.<sup>۲</sup>

گذشته از برمكيان ديگر رجال دولتى نيز از پرداختن به موسيقى پرهيز نداشتند. از جمله فضل بن ربيع که با موسيقى دانان دوستى داشت و گاه برای شنیدن ساز و آواز اسحاق موصلى بي تابي مى کرد. او نيز خود را پرورده احسان فصل مى دانست.<sup>۳</sup>

در عصر دوم عباسى نيز بسياري از دولتمردان و وزيران علاقه مند و حامي شعر و موسيقى بودند. از جمله محمد بن فضل جرجاري وزير متوكل که در موسيقى متبحر بود و به اين فن شهرت داشت.<sup>۴</sup> همچنين ظاهريان هنردوست از موسيقى دانان حمایت مى کردند. /اغاني بارها عبد الله بن طاهر را در مجالس بزم مأمون نشان داده و گاه نيز عبدالله خود در بين نوازندگان و خوانندگان مناظره و مسابقه برگزار مى کرده است.<sup>۵</sup> محمد بن عبدالله بن طاهر يکي از افراد اين خاندان است که خود آهنگساز بوده و كنيزش «مونسه» برایش آواز مى خوانده است.<sup>۶</sup> به همین ترتيب بسياري ديگر از اشرف و بزرگان آن روزگار همچون على بن هشام وزير، فتح بن خاقان، على بن فرات و ابن مغله در بزم های خوش موسيقى را ناديده نمى گرفتند.

### ارزش و پايگاه موسيقى

از آنچه گفته شد چنین برمى آيد که موسيقى در ميان بنى عباس و اشرف و بزرگان بغداد آن روز موضوعی پذيرفته شده بود و پرداختن به موسيقى، يك سرگرمى طبیعى و از اجزای

۱ مسعودى، همان، ج.۳، ص.۳۷۸؛ طبرى، همان، ج.۸، ص.۲۵۹.

۲ ابوالفرق اصفهاني، همان، ج.۵، ص.۲۴۵.

۳ همان، ج.۵، ص.۳۰۷.

۴ ابن طقطقى، همان، ج.۱۵، ص.۲۳۵.

۵ همان، ج.۱۵، ص.۲۷۰.

۶ مسعودى، همان، ج.۳، صص.۸۸-۸۷.

زندگی آنها تلقی می‌گردید. موسیقی دان بودن بعضی از خلیفه‌زادگان، نوازنده و یا آهنگساز بودن برخی از خلفا مثل واشق،<sup>۱</sup> متصرد<sup>۲</sup> و معتقد،<sup>۳</sup> آوازخوانی عربی، دختر جعفر بن یحیی برمکی و بسیاری از این قبیل گویای اهمیت موسیقی در میان این طبقه اجتماعی است. می‌توان گفت چون هنر وسیله نمایش، تأیید، تشییت و تبلیغ امتیازات خواص است، آنها در پرورش هنرمند سعی بسیار مبذول داشته‌اند.<sup>۴</sup> اما همه این‌ها دلیل بر ارزشمند بودن موسیقی و موسیقی‌دانان در جامعه بغداد نیست. چنانکه ابوفراس حمدانی شاعر شیعی در نکوهش عباسیان می‌گوید:

مِنْكُمْ عَلَيْهِ أَمْ مِنْهُمْ وَكَانَ لَهُمْ<sup>۵</sup>  
شِيخُ الْمُغْنِينَ ابْرَاهِيمَ امْ لَهُمْ؟<sup>۶</sup>  
عَلَيْهِ ازْ شَمَا بَوْدِ يَا ازْ عَلَويَانِ؟<sup>۷</sup>  
استاد مغتیان ابراهیم از علویان بود یا عباسیان؟<sup>۸</sup>

و نیز در الاغانی می‌خوانیم که علیه زمانی که نماز نمی‌خواند، نعمه‌سرایی می‌کرد و در هنگام ظهر به نماز و کتاب روی می‌آورد.<sup>۹</sup> همچنین خلیفه مهدی، ابراهیم موصلى و ابن‌جامع را به دلیل ملازمت با پسرانش مجازات نمود<sup>۱۰</sup> و نیز همین خلیفه، ابن‌جامع را به سبب اینکه مردی قریشی است که به خنیاگری روی آورده، به شدت نکوهش کرد و طردش ساخت و به مکه تبعید نمود.<sup>۱۱</sup>

او بیم داشت گرایش فرزندانش به موسیقی مایه مخالفت شدید و آشکار پیشوایان دین با عباسیان گردد؛ زیرا تا آن زمان شاعران و خنیاگران در دربار جایگاه چندانی نداشتند و خلفای پیش از او روزگار را با تظاهر به شریعت‌خواهی گذرانده بودند. در همین خصوص روایت دیگری در الاغانی آمده که این نظر را به خوبی آشکار می‌سازد. فصل بن‌ریبع نواده‌اش را که به موسیقی تمایل داشت سرزنش می‌کرد که پدرانت را مفتخض کرده، زیرا در طبقه خیناکرین (خنیاگران) افتاده‌ای.<sup>۱۲</sup> افزون بر این، زندگی حرفه‌ای موسیقی‌دانان چندان هم راحت

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۵، ص.۳۶۰؛ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکرسیوطی (۱۹۵۹م)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السعادة، ص.۳۴۳.

۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۹، ص.۳۰۱.

۳ همان، ج.۹، ص.۴۰.

۴ امیرحسین آریانپور (۱۳۸۰)، *اجمالی از تحقیق ارج آریانپور درباره جامعه شناسی هنر*، تهران: نشر گستره، ص.۴۹.

۵ ابن‌قطققی، همان، ص.۲۱۵.

۶ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۱۰، ص.۱۶۳.

۷ همان، ج.۵، ص.۱۶۰.

۸ همان، ج.۶، ص.۳۰۳.

۹ همان، ج.۹، ص.۲۲۳.

نبد. وظایفشان سخت و خودشان همواره در معرض استثمار بودند و سختی شلاق و سیاه چال‌ها را تحمل می‌کردند. روشن است که خلفای هنردوست و فرزندان شان غنا و موسیقی را لازمه خوشگذرانی و اقتدار خود می‌دانستند؛ در عین حال از این دو گانگی به‌نوعی واهمه داشتند. به همین علت است که عبیدالله بن عبدالله بن طاهر که از مهارت او در نوازندگی سخن رفته است، تمایلی نداشت به عنوان موسیقی دان شناخته شود. از این‌رو آهنگ‌های ساخته خود را به کنیز آوازخوانش شاجی نسبت می‌داد.<sup>۱</sup> اسحاق موصلى نیز با تمام دانش و هنر از حرفه خوانندگی و شناخته شدن به عنوان مطرب و مغنی نفرت داشت.<sup>۲</sup> حتی یک‌بار در عهد خلافت مأمون از خنیاگری توبه کرد و ذی و جامه خود را تغییر داد؛ اما به خواست مأمون دوباره به حرفه خویش بازگشت.<sup>۳</sup>

به هر صورت باید دانست که این موسیقی‌دانان پدیدآورنده هنری بودند که به لحاظ فقهی مذموم و مکروه تلقی می‌شد. به گفته فارمر: «به رغم اینکه عرب از معاشرت با موسیقی‌دان لذت می‌برد و شاد می‌شد، با این حال از گذر نوعی عواطف مذهبی و شاید برای تسکین خویشتن آنها را گناهکار می‌دانست».<sup>۴</sup> بنابراین اگرچه پرداختن به غنا و موسیقی و اشتغال به ساز و آواز در بین این طبقه اجتماعی رواج گسترده‌ای داشت، اما در بسیاری از مواقع پسندیده تلقی نمی‌شد. شاید به این دلیل که بیشتر اوقات استفاده از موسیقی در بزم‌های اشراف از حد مجاز خارج می‌شد و به میگساری و مستی می‌انجامید و چنین حالتی به لحاظ شرعی و عرفی، امری مذموم و حرام به شمار می‌رفت.

## سپاهیان

در خصوص استفاده از موسیقی در بین دسته‌های نظامی باید گفت گروه موسیقی نظامی خلیفه روزانه پنج بار در اوقات نماز، برنامه اجرا می‌کرد و این گروه موسیقی به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اقتدار حاکمیت تبدیل شده بود. در ابتدای روزگار اسلامی، موسیقی نظامی به وسیله دف و نای اجرا می‌شد. اما وقتی مسلمانان با مردم حیره و غسان آشنا شدند، به نقش

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۹، ص ۴۰.

۲ همان، ج ۵، صص ۳۱۱ و ۲۶۸.

۳ همان، ج ۵، ص ۳۷۴.

۴ هنری جرج فارمر (۱۳۶۷)، تاریخ موسیقی خاورزمیں «ایران بزرگ و سرزمین‌های اسلامی»، ترجمه بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه، ص ۱۹۴.

آهنگ‌های نظامی در پدید آوردن شور جنگی بی بردن. چندی بعد موسیقی نظامی به عنوان یک ضرورت تلقی و به سازهایی مانند سرنا، بوق، طبل، دایره و سنج توجه شد.<sup>۱</sup>

### ندیمان

ندیمان از همدمان خلیفه و اشراف به شمار می‌آمدند و از آنان حقوق و مقررات دریافت می‌کردند. دسته‌ای دیگر از ندیمان هم جزء عوام بودند که به واسطه مهارت و تجربه‌شان نزد خلیفه و اشراف مقرب می‌شدند. اینها از ندیمان برتر به شمار می‌آمدند و در موقع مهم مورد مشورت قرار می‌گرفتند.<sup>۲</sup> به طور مثال مأمون از رجال دولتش نزد اسحاق موصلى شکایت می‌کرد و از او مشورت می‌خواست.<sup>۳</sup> بر این اساس بسیاری از موسیقی‌دانان از ندیمان خلیفه محسوب می‌شدند و در سفرهای مختلف همراه وی بودند. ابراهیم موصلى همدم همیشگی هارون بود و لقب «ندیم» را داشت.<sup>۴</sup> همچنین ابن‌جامع، اسحاق موصلى، یحیی بن‌مرزوق مکی، مخارق، علویه، عمرو بن‌غزال، برصوما، بنان بن‌عمر و ... از ندیمان موسیقی‌دان این عصر بودند.<sup>۵</sup>

### کنیزان

جواریه یا کنیزان «جاریه» زنان و دخترانی بودند که در جنگ‌ها به دست مسلمانان اسیر می‌شدند و اگر آنان هنری می‌دانستند خواهان بیشتری داشتند. اگر بزرگی دوستدار موسیقی بود، کنیز نوازنده و خواننده به او هدیه می‌دادند. گاهی نیز چندین کنیز که هر کدام هنری مخصوص داشت را یک‌جا هدیه می‌نمودند.<sup>۶</sup>

بدین ترتیب، در کاخ‌های بزرگان عباشی علاوه بر مردان، زنان موسیقی‌دان هم می‌زیستند و داشتن کنیز‌کان رامشگر از تجملات معمول در نزد اعیان آن عصر بود. به همین ترتیب تربیت خواننده و نوازنده نیز در جامعه بغداد رواج گستردۀ داشت.<sup>۷</sup> چنانکه ابراهیم موصلى هنرستانی داشت که در آن به کنیزان، آوازخوانی و عودنوازی تعلیم می‌داد و اشراف بغداد

۱ فارمر، همان، ص ۲۸۶.

۲ جرجی زیدان، همان، ص ۸۸۴.

۳ ابوالفرح اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۳۴۷.

۴ همان، ج ۵، ص ۲۵۳؛ شمس الدین احمد بن محمد بن خلکان (۱۹۶۸م)، *وفیات الاعیان*، ج ۱، بیروت: دارالصادر، ص ۴۲.

۵ احمد بن محمد بن عبدربه (۱۴۰۴ق)، *العقد الفريد*، ج ۷، بیروت: دارالکتب العلمية، ص ۳۴.

۶ مسعودی، همان، ج ۴، ص ۴۲؛ جرجی زیدان، همان، ص ۸۸۹.

۷ حسن مشحون (۱۳۷۳)، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران: انتشارات سیمرغ، ص ۱۱۶.

دختران و کنیزان خود را برای آموزش موسیقی نزد او می‌فرستادند. حتی زمانی تعداد کنیزانی که برای تعلیم به او سپردهند به ۸۰ تن رسید.<sup>۱</sup> علاوه بر این ابراهیم، کنیزان را می‌خرید و با آموختن هنر به ایشان، آنان را به قیمت گران به خلیفه و سایر متمکنین می‌فروخت. چنانکه موارد مختلف آن در الاغانی به چشم می‌خورد.<sup>۲</sup> اما بهای کنیز کانی که کمال و جمال داشتند (خوانندگان و نوازندگان)، از دیگران بیشتر بود. مثلاً ابراهیم بن مهدی برای خرید کنیزی موسیقی دان هم وزن وی پول پرداخت کرد.<sup>۳</sup> به عقیده روح الله خالقی پس از تعلیم موسیقی به چند دختر زیبارو، وجاهمت منظر، سبب اهمیت بیشتر این خوانندگان شد.<sup>۴</sup>

از حضور زنان خواننده در مجالس بزم امین (۱۹۳-۱۹۸۱ق.) داستان‌های بسیاری گفته شده است. مثلاً اینکه یکصد دختر خواننده در برابر این خلیفه به اجرای موسیقی پرداختند.<sup>۵</sup> در بسیاری از کتاب‌ها، ضمن شرح حال ابراهیم موصلى و بیان هوش و دقت موسیقائی او، از گروه بیست یا سی نفره ارکستر موصلى تعریف کرده‌اند که ارکستری زنانه بوده و ۳۰ دختر عودنواز به اجرا مشغول می‌شده‌اند.<sup>۶</sup> نادره بدیعی، پژوهشگر موسیقی، این ارکستر ۳۰ نفره را یک گروه کر یا همسرايان بى نظير مى داند و به عقیده او اگرچه اين گونه همخوانی در ايران بى سابقه نبوده و سروده‌های مذهبی در آتشکده‌ها اجرا می‌شده است، اما اهمیت گروه کر موصلى در زن بودن همه اعضاست که در نوع خود تا آن زمان بى سابقه بوده است.<sup>۷</sup>

در کتاب‌اغانی و کتب ادبی و تاریخی دیگر نام بسیاری از زنان موسیقی دان آمده که در کاخ‌های خلفا و اشراف بغداد خدمت می‌کردند که به نام برجی از آنان اشاره می‌شود. دوشار همسر ابراهیم موصلى، نوازنده دف و آوازخوان،<sup>۸</sup> عاتکه استاد آواز اسحاق موصلى،<sup>۹</sup> بَذل از کارآمدترین موسیقی دانان دربار امین و مأمون و نویسنده کتابی به نام الاغانی،<sup>۱۰</sup> دنایر

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۵، ص.۱۶۴ و ۱۷۰.

۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۵، ص.۱۶۳ و ۱۷۰، ج.۸، ص.۲۹۳، ج.۱۳، ص.۳۴۷، ج.۱۴، ص.۲۱۱.

۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۱۶، ص.۴.

۴ روح الله خالقی (۱۳۸۵)، نظری به موسیقی ایرانی، تهران: مؤسسه فرهنگی رهروان پویش، ص.۳۳.

۵ طبری، همان، ج.۸، ص.۵۱۲.

۶ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۵، ص.۲۴۳؛ جرج فارمر، همان، ص.۲۲۲؛ نادره بدیعی (۱۳۵۴)، تاریخچه ادبیات آهنگی ایران، تهران: انتشارات روشنفکر، ص.۵۱.

۷ همان جا

۸ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج.۵، ص.۲۷۱؛ نادره بدیعی، همان، ص.۵۰.

۹ همان، ج.۵، ص.۲۷۲.

۱۰ همان، ج.۷، ص.۲۱۵.

موسیقی دان و نویسنده کتاب مجردالاغانی<sup>۱</sup>، شکله مادر ابراهیم بن مهدی،<sup>۲</sup> عرب شاعر و عودنواز زبردست دربار امین و مأمون، شاریه خواننده<sup>۳</sup>، قلم الصالحیه خواننده و نوازنده،<sup>۴</sup> ذات الخال خواننده<sup>۵</sup>، محبوبه، عالم، شاعر، آهنگساز و عودنواز دربار متوكل<sup>۶</sup> و مونسه کنیز موسیقی دان محمدبن عبدالله بن طاهر.<sup>۷</sup>

با این همه، آیا حضور این زنان در دربار بیانگر جایگاه اجتماعی برجسته آنهاست؟ در پاسخ باید گفت اگرچه این خوانندگان در دستگاه خلافت به طور گسترده حضور داشتند و در زمان‌های مختلف به هنر نمایی می‌پرداختند، اما این هنر هیچ‌گاه جایگاه اجتماعی آنان را تغییر نمی‌داد و موجب نمی‌شد به واسطه هنر خود در طبقه بالاتری قرار بگیرند. به نظر می‌رسد این کنیزان ابزاری برای خوشگذرانی خلفاً و درباریان بودند و تنها در مجتمع عیش و طرب، دانش و هنر آنها معنا می‌یافتد. به عبارت دیگر، موقعیت اجتماعی کنیزان خواننده حتی به عنوان افراد آزاد هم پایین‌تر از دیگران بود. آنها پیوسته به عنوان عوامل همراهی کننده به موسیقی دانان درجه اول وابسته بودند. در آن عصر، تاجران بردۀ با خرید این دختران و آموزش موسیقی به آنها با قیمتی بالاتر آنان را می‌فروختند. در بیشتر این موارد مهارت موسیقی، امتیازی بود که بردگان می‌توانستند آزادی خود را از آن طریق به دست آورند. همچنین داشتن کنیز هنرمند برای خلفاً و اشراف بغداد نوعی ضرورت و امتیاز محسوب می‌شد و پایگاه بلند اجتماعی آنها را تعیین می‌کرد. زیرا خواص تمایل دارند در همه چیز اعم از پوشش، رفتار، زبان و ذوق، ممتاز و از مردم عادی تمایز باشند و بدین‌وسیله نشان دهنده اولاً برخلاف بیشتر مردم، به فعالیت‌های تقنی می‌پردازند و ثانیاً صاحب ثروت و قدرت هستند و عمر به ناز و نعمت می‌گذرانند.<sup>۸</sup>

### طبقه عامه

این گروه از نظر تعداد بیش از طبقه خاصه و متنوع‌تر از آن بودند. آنان از نژادها و ملیت‌های

۱ توکا ملکی (۱۳۸۰)، زنان موسیقی/یران، تهران: انتشارات کتاب خورشید، ص. ۹۳.

۲ ابوالفرح اصفهانی، همان، ج. ۱۰، ص. ۹۵؛ این خلکان، همان، ج. ۱، ص. ۳۹.

۳ همان، ج. ۹، ص. ۴۰.

۴ همان، ج. ۱۳، ص. ۳۴۷.

۵ همان، ج. ۱۶، ص. ۳۱۵.

۶ مسعودی، همان، ج. ۴، صص. ۴۲.

۷ همان، ج. ۴، صص. ۸۸-۸۷.

۸ امیرحسین آریانپور، همان، ص. ۱۳۵.

مختلف در بغداد آن روز گردهم آمده، در فعالیت‌های علمی، هنری، ادبی، تجاری و... شرکت داشتند.<sup>۱</sup> البته ارائه شرح حال همه آنها در اینجا دشوار و شاید ناممکن است. اما همین قدر می‌دانیم که عرب‌ها، هنرهای زیبا را آداب رفیعه می‌نامیدند<sup>۲</sup> و آن را به سه بخش نقاشی، شعر و موسیقی تقسیم کرده بودند که از میان آنها شعر و موسیقی در بین خاص و عام رونق یافت و همان‌گونه که گفته شد، شاعران و موسیقی‌دانان به پیشگاه بزرگان عصر عباسی تقرب می‌جستند.

از لبه‌لای منابع تاریخی و ادبی می‌توان پی برد که موسیقی تا چه اندازه در بطن جامعه و در بین مردم بغداد رواج داشته است. وجود رود دجله در بغداد، از آن شهری روئیابی ساخته بود که مناسب تغذی و تغزل بود. دسته‌های خوانندگان و نوازندهای در کنار دجله نوای ساز را با آوای رود درهم می‌آمیختند و مردم نیز در این شور و نشاط آهنگین با ایشان همراهی می‌کردند. بنابراین در اینجا نیز طبیعت الهام‌بخش ذوق و احساس هنرجویان و هنرمندان بود. علاوه بر فضای مهیج، ثروت، رفاه مادی، تجمل گرایی و علاقه ذاتی قشرهای مختلف مردم بغداد را به سوی هنرهای زیبا به‌ویژه موسیقی سوق می‌داد. به‌طور کلی گرایش به موسیقی در بین عامه مردم بیشتر جنبه تفریحی و سرگرمی مثبت داشت. چراکه ساخته‌های هنری عوام همواره ساده و بی‌پیرایه‌اند و از زندگی روزمره مردم جامعه نشئت می‌گیرند. هنر عوام از صفاتی طبیعی و شور انسانی سرشار است. در افسانه‌ها و ترانه‌های عامیانه، هرچه برای زندگی سودمند باشد از طراوت و رنگارنگی حیات‌بخش گیاهان تا شادابی و تندرستی انسان، زیبا به‌شمار می‌رود.<sup>۳</sup> مسعودی درباره کاربرد موسیقی در بین مردم می‌نویسد: «رسم ملوک عجم بود که با آهنگ موسیقی می‌خفتند تا طرب در جانشان روان شود. زن عرب کودک خود را هنگام گریستن نمی‌خواباند که بیم دارد غم در تن او رخنه کند و در جانش راه باید؛ بلکه با او بازی می‌کند و برایش لالایی می‌خواند و او را می‌خنداند تا اینکه شادمان بخواب رود و جسمش رشد کند و خونش صاف شود و عقاش روشن گردد. کودک از موسیقی لذت می‌برد و گریه‌اش را به خنده تبدیل می‌کند».<sup>۴</sup> به گفته صالح المهدی نویسنده معاصر تونسی، ادبیات عرب مملو از شواهدی است که نشان می‌دهد موسیقی در نزد اعراب در زمان‌های پیش جایگاهی ویژه داشته است. تجار در کاروان‌های تجاری، صنعتگران و کارگران به‌هنگام کار،

۱ جرجی زیدان، همان، ص ۸۹۱.

۲ همان، ص ۸۹۴.

۳ امیرحسین آریانپور، همان، ص ۱۱۸.

۴ مسعودی (۱۴۰۹ ق)، همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

ماهیگیران در زمان صید، کشاورزان به هنگام کاشت و برداشت محصول و قصه‌گویان به هنگام نقل حکایت از موسیقی بهره می‌گرفند.<sup>۱</sup>

اگرچه نوای موسیقی در کاخ‌های خلفا و خانه‌های اشرف نمود یشتری داشته و موسیقی دنان برای کسب شهرت و برخورداری از زندگی مرفه جذب دستگاه آنها شده‌ند، اما تأثیر این هنر در بین عوام نیز ملموس بود. چنان‌که مسعودی از ابراهیم بن مهدی داستانی نقل کرده که علاقه‌مندی گروهی از بزازان بغداد را به موسیقی نشان می‌دهد. بر طبق این داستان، روزی ابراهیم بن مهدی به‌طور ناشناس به منزل خیاطی وارد می‌شود که برای دوستانش مهمانی باشکوهی برپا کرده بود. در این مجلس پس از صرف غذا، کنیزکی ماهرانه عود می‌نوازد و می‌خواند و مجلس را گرم می‌کند. و بعد از او ابراهیم نیز با نواختن عود و خواندن آوازهای زیبا همه حاضران را به وجود می‌آورد. مهارت ابراهیم در نوازندگی شگفتی حضار را بر می‌انگیزد و هنگامی که او خود را معرفی می‌کند، آنها خرسند از دیدار این استاد موسیقی و شاهزاده هنرمند از او قدردانی می‌کنند.<sup>۲</sup> همین نویسنده، حکایت دیگری درباره دلیستگی مردم به موسیقی آورده است که بر اساس آن، یک حجام‌تگر ساکن بغداد چنان شیفته نوای موسیقی است که برای استماع چند قطعه ساز و آواز از ابراهیم بن مهدی از جایزه ۱۰۰ هزار درهمی مأمون برای تحويل ابراهیم به حکومت چشم پوشی می‌کند.<sup>۳</sup>

حکایت دیگری که مسعودی با واسطه از قول جاحظ نقل کرده به‌خوبی رواج موسیقی را در جامعه آن روزگار بغداد به تصویر می‌کشد. بر اساس آن، دو تن از نوازندگان سه تار و عود در کشتشی عازم بغداد در حضور جاحظ و محمد بن ابراهیم به زیبایی می‌نوازند و می‌خوانند.<sup>۴</sup> همراه داشتن ساز سه تار و عود در هنگام سفر و اجرای موسیقی در کشتشی بیانگر اهمیت غنا و موسیقی در بین مردم آن زمان است. چنان‌که امروز نیز در سفرها موسیقی، البته نه اجرای زنده، مسافران را همراهی می‌کند.

در نهایت برای پی بردن به گرایش‌های ذوقی و هنری جامعه بغداد در این زمان باید گفته‌های ابن خردابه را در پیشگاه معتمد مطالعه کرد. او می‌گوید: «موسیقی ذهن را لطیف، اخلاق را ملایم، جان را شاد، قلب را دلیر و بخیل را بخشنده می‌کند؛ و نشاط می‌آورد و غم

<sup>۱</sup> صالح المهدی، همان، صص ۲۳۹.

<sup>۲</sup> مسعودی، همان، صص ۴۲۵-۴۲۳.

<sup>۳</sup> همان، ج ۳، ص ۴۴۵.

<sup>۴</sup> همان، ج ۴، ص ۱۷.

می‌زداید. وقتی غمگین هستی، جز از شراب و نغمه ساز بهره مکیّر. آفرین بر خردمندی که موسیقی را پدید آورد. چه رازی را نمودار کرده و چه هنری را به وجود آورده و سوی چه فضیلتی راهبر شده است! به راستی که یگانه روزگار خود بوده است. هر کس شامه‌اش معیوب باشد، عطر را ناخوش دارد؛ و هر که ذوقش خشن باشد، از شنیدن موسیقی بیزار باشد و از آن دوری نماید و آن را عیب گوید و مذمت کند.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

موسیقی در بغداد عصر عباسی هنری تأثیرگذار بود که گروه‌های مختلف اجتماعی آن را عضو لاینفک زندگی خود می‌دانستند. در بین خواص موسیقی نقش برجسته‌تری داشت، چرا که بیانگر پایگاه اجتماعی، تمایز و تشخّص آنان بود و خواص با استخدام نوازندگان و خوانندگان خوش‌آواز، هنردوستی، شکوه و اقتدار خود را نشان می‌دادند و پایگاه مهم اجتماعی و تفاوت‌شان را با دیگر گروه‌ها به رخ می‌کشیدند. طبقه خاصه که شامل خلیفه، خاندان خلیفه، رجال دولتی و وابستگان طبقه بالا می‌شد با حمایت از هنرمندان در پیشرفت این هنر نقش مؤثری ایفا کردند. خلفایی مانند هارون، مأمون، امین، واشق، متوكل و معتصد و دولتمردانی همچون برمهیان و ظاهريان در شکوفایی موسیقی و پرورش موسیقی‌دانان بزرگ کوشیدند. دلیل دیگر اهمیت موسیقی پرداختن فرزندان خلفا به این هنر بود. ابراهیم بن مهدی نمونه برجسته این بزرگان است که در موسیقی استادی ماهر به شمار می‌رفت. اینان با برگزاری مجالس طرب و جذب موسیقی‌دانان دیگر موجب ترویج این هنر در جامعه می‌شدند.

موسیقی در بین عموم مردم بغداد نیز جایگاه پر اهمیتی داشت، چرا که اقسام مختلف به ساز و آواز علاقه‌مند بودند و یا در تحصیل این هنر کوشش می‌کردند. به گواهی منابع گروه‌های مختلف ساکن در بغداد عصر عباسی در زندگی روزانه خود موسیقی را به کار می‌گرفتند.

اما به دلیل نقل برخی روایات مبنی بر تحریم شرعی موسیقی، پرداختن به این هنر در بسیاری از موقع حرام یا مکروه و مذموم تلقی می‌شد و اجتماع اسلامی بغداد آن را به عنوان هنری ارزشمند نپذیرفته بود. توبه اسحاق موصلى از غنا و نفرت او از معنی بودن و مجازات ابراهیم موصلى و این جامع به خاطر ملازمت با فرزندان خلیفه بیانگر همین دیدگاه است.

۱ مسعودی، همان، صص ۱۳۵-۱۳۶.

بنابراین نمی‌توان رواج گسترده موسیقی را در جامعه بغداد نشانه مقبولیت و ارجمندی این هنر دانست؛ بلکه هنر موسیقی بیشتر به عنوان آلتی تفریحی و ابزاری تبلیغی در نزد گروه‌های اجتماعی بهویژه خواص مطرح بوده است.

## منابع و مأخذ

- آریانپور، امیرحسین (۱۳۸۰)، *اجمالی از تحقیق احـ آریانپور درباره جامعه شناسی هنر*، تهران: نشر گستره.
- ابن خطیب، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب العلمية.
- ابن خلدون (۱۳۷۵)، *مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد (۱۹۶۸)، *وفیات الاعیان*، بیروت: دارالصادر.
- ابن عبد ربہ، احمد بن محمد (۱۴۰۴ق)، *العقد الفريد*، بیروت: دارالکتب العلمية.
- ابن عبری، غریغوریوس بن اهرون (۱۹۹۲)، *تاریخ مختصر الدول*، تحقیق آتنون صالحانی یاسوی، بیروت: دارالشرق.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۹۹۷)، *التخری فی آداب السلطانیة ودول الاسلامیة*، تحقیق عبدالقدار محمد مأیو، بیروت: دارالقلم العربیة.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۶۳)، *الاغانی*، قاهره: دارالکتب.
- ایرانی، اکبر (۱۳۸۶)، *حال دوران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- المهدی، صالح (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «سنت موسیقی عرب»، *ترجمة فربیا سلامت‌نیا، آینیه میراث، ش ۳۶ و ۳۷*.
- بدیعی، نادره (۱۳۵۴)، *تاریخچه ادبیات آهنگی ایران*، تهران: انتشارات روشنفکر.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۷)، *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*، تهران: انتشارات جامی.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۱۴)، *الناحی فی اخلاق الملوك*، تحقیق احمد زکی باشا، قاهره: المطبعة الامیریة.
- خالقی، روح الله (۱۳۸۵)، *نظری به موسیقی ایرانی*، تهران: مؤسسه فرهنگی رهروان پویش.
- دنیس الک، رابرتسون استیونس (۱۳۶۹)، *تاریخ جامع موسیقی*، ترجمه بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۶)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیر کیم.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۹۵۹)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محی الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السعادة.
- ضیف، شوقي [بی‌تا]، *العصر العباسی الاول*، قاهره: دارال المعارف.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸ق)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- فارمر، هنری جرج (۱۳۶۷)، *تاریخ موسیقی خاورمیانی «ایران بزرگ و سرزمین‌های اسلامی»*، ترجمه

بهزاد باشی، تهران: انتشارات آکاد.

- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و المعادن الجوهر، تحقيق اسعد الداغر، قم: دارالهجرة.
- مشحون، حسن (۱۳۷۳)، تاریخ موسیقی ایران، تهران: انتشارات سیمرغ.
- مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳)، تمدن اسلامی در عصر عباسی، ترجمه محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت.
- ملکی، توکا (۱۳۸۰)، زنان موسیقی ایران، تهران: انتشارات کتاب خورشید.
- حموی، ابن عبدالله یاقوت (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت: دارالصادر.
- Kins, Jean ,and Rovsing Olson, Paul (1976), *Music and musical instrument in the world of Islam*, Horniman Museum London World of Islam Festival Publishing Company Ltd.